



КВКВ - 2004



دانشگاه سیستان و بلوچستان

تحصیلات تکمیلی

پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته ی زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

موسیقی شعر در غزل های سنایی غزنوی

استاد راهنما:

دکتر محمد امیر مشهدی

استاد مشاور:

دکتر محمود عباسی

آموزشگاه عالی زبان

شبهه سیستان

۱۳۸۸/۹/۲

تحقیق و نگارش:

ملیحه فلاح لاله زاری

(این پایان نامه از حمایت مالی معاونت پژوهشی دانشگاه سیستان و بلوچستان بهره مند شده است)

شهریور ۱۳۸۸

۱۲۷۲۷۰



بسمه تعالی

این پایان نامه با عنوان موسیقی شعر در غزل های سنایی غزنوی قسمتی از برنامه آموزشی دوره کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی توسط دانشجو ملیحه فلاح لاله زاری تحت راهنمایی استاد پایان نامه دکتر محمد امیر مشهدی تهیه شده است. استفاده از مطالب آن به منظور اهداف آموزشی با ذکر مرجع و اطلاع کتبی به حوزه تحصیلات تکمیلی دانشگاه سیستان و بلوچستان مجاز می باشد.

ملیحه فلاح لاله زاری

۱۳۸۱/۵/۲۵

این پایان نامه ^۴... واحد درسی شناخته می شود و در تاریخ ۸۸/۶/۱۶ توسط هیئت داوران بررسی و درجه **بسیار خوب** به آن تعلق گرفت.

نام و نام خانوادگی	امضاء	تاریخ
استاد راهنما: دکتر محمد امیر مشهدی		۸۸، ۶، ۱۶
استاد مشاور: دکتر محمود عباسی		
داور ۱: دکتر عبدالعلی اویسی		۸۸، ۶، ۱۶
داور ۲: دکتر احمد رضا کیخای فرزانه		
نماینده تحصیلات تکمیلی: دکتر رضا رضایی		
		۸۸، ۶، ۱۶



تعهدنامه اصالت اثر

اینجانب ملیحه فلاح لاله زاری تأیید می‌کنم که مطالب مندرج در این پایان‌نامه حاصل کار پژوهشی اینجانب است و به دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این نوشته از آن استفاده شده است مطابق مقررات ارجاع گردیده است. این پایان‌نامه پیش از این برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه سیستان و بلوچستان می‌باشد.

نام و نام خانوادگی دانشجو: ملیحه فلاح لاله زاری

امضاء

تقدیم به :

مهربانی پدرم

دعای مادرم

همراهی همسرم

سپاسگزاری

بسم الله الرحمن الرحيم ، الحمد لله رب العالمين .

و سپاس خدائیت را که آفریدی مرا در راهی که انتهای ندارد و عطشی به من عطا فرمودی که تشنه باشم به رسیدن انتهای این راه و هرچه جلوتر می روم تازه می فهمم چقدر از مقصد دورترم . در راه جویندگی علم قرارم دادی سپاس خدائیت را .

و درود می فرستم بر ارواح پاک مقربان و اولیای درگاهت و پس از آن از تو می طلبم تا یاری ام نمایی اندکی از زحمات آنان که در این راه پرو بالم را باز کردند تشکر کنم . از آنان تشکر کنم که پرواز را برایم معنا کردند . متشکرم از زحمات استاد گرانقدرم ؛ آقای دکتر محمد امیر مشهدی ؛ که بعنوان استاد راهنما صبورانه راهم را روشن کردند و تاریکی جهل مرا به روشنایی دانستن مبدل ساختند .

سپاسگزارم از یاری استاد گرانمایه ام ؛ آقای دکتر محمود عباسی ؛ که از دریای دانششان بی دریغ سیرابم نمودند و علمشان در تاریکی راه فانوس روشنایی بخش بود .

و سپاس تمامی آنها را که از آغاز راه تا کنون پرتو روشن علمشان را از تابیدن بر وجود تاریکم دریغ نکردند.

چکیده

هدف از انجام این پژوهش این است که به بررسی پیرامون جلوه های چندگانه ی موسیقی شعر در غزل های حکیم سنایی غزنوی بپردازد؛ بدین ترتیب در فصل اول جهت به دست دادن تعاریف و توضیحاتی پیرامون کلیات این تحقیق به تعریف مواردی چون شعر، موسیقی شعر، غزل، غزل سنایی، زندگی و آثار این شاعر ارزشمند پرداخته می شود.

در فصل دوم، موسیقی بیرونی غزل های سنایی مورد بررسی قرار می گیرد. در راه شناخت بهترین نوع موسیقی از نمودارها و جدول ها کمک گرفته شده است و به تحلیل و بررسی بحور عروضی با وزنهایشان همراه با شواهد بیتی پرداخته شده است.

در فصل سوم به موسیقی درونی غزلیات پرداخته شده است و در آن انواع تکرارها و جناس ها و روابط بین صامت ها و مصوت ها بررسی شده است.

در فصل چهارم به بررسی موسیقی کناری غزل ها پرداخته شده و از دریچه ی ردیف و قافیه و تأثیر آنها در ایجاد موسیقی به غزل ها نظر شده است و عیوب مربوط به ردیف و قافیه آورده شده است.

در فصل پنجم موسیقی معنوی غزل ها بررسی شده است از طریق نگاه کردن به عوامل ایجاد گر این موسیقی از قبیل انواع آرایه های ادبی و هر آنچه که تناسب معنوی را باعث می شود تا روح مخاطب با کشف این تناسبات به لذت مورد نظر شاعر برسد.

واژگان کلیدی: سنایی، موسیقی شعر، غزل.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	فصل اوّل : کلیات
۲	مقدمه
۴	شعر
۵	موسیقی شعر
۶	غزل
۷	غزل سنایی
۸	سنایی غزنوی
۱۰	آثار سنایی غزنوی
	فصل دوّم : موسیقی بیرونی
۱۳	موسیقی بیرونی
۱۴	موسیقی بیرونی در غزل های سنایی
۱۴	اوزان بلند - کوتاه - متوسط
۱۶	بررسی بحرهای به کاررفته در غزل های سنایی غزنوی
۱۶	بحر رمل
۲۹	بحر هزج
۴۲	بحر خفیف
۴۶	بحر مضارع
۴۸	بحر منسرح
۵۰	بحر رجز
۵۲	بحر مجتث
۵۳	بحر سریع
۵۴	بحر متقارب
۵۵	اوزان دوری
۵۶	ذو بحرین

۵۷	اختیارات و ضرورات شاعری درغزل های سنایی
۵۸	اختیارات زبانی
۶۰	اختیارات وزنی
۶۱	اشکال های وزنی درغزل های سنایی غزنوی
۶۵	جدول وزن های به کاررفته درغزل های سنایی براساس عروض قدیم
۶۷	جدول وزن های به کاررفته درغزل های سنایی براساس عروض علمی (جدید)
۶۹	نموداربحرها و اوزان

فصل سوّم : موسیقی درونی

۸۱	موسیقی درونی
۸۱	تسجیع
۸۲	سجع
۸۲	سجع متوازی
۸۳	سجع مطرف
۸۴	سجع متوازن
۸۴	موازنه
۸۶	ترصیع
۸۶	تضمین المزدوج
۸۸	تجنیس
۸۸	جناس تام
۹۱	جناس ناقص
۹۱	جناس زاید
۹۳	جناس مزید
۹۳	جناس وسط
۹۵	جناس مذّیل
۹۵	جناس مرّکّب
۹۵	جناس مرّکّب مقرون

۹۶ جناس مرکب ملقّق
۹۶ جناس مطرف
۹۷ جناس مضارع
۹۹ جناس خط
۱۰۰ جناس اشتقاق
۱۰۲ جناس قلب
۱۰۳ تکرار
۱۰۴ تکرار صامت
۱۰۵ تکرار مصوّت
۱۰۵ تکرار هجا
۱۰۶ تکرار واژه
۱۰۷ تکریر
۱۰۷ ردة العجزالى الصدر
۱۰۸ ردة الصدرالى العجز
۱۰۹ ردة الصدرالى الابتدا
۱۰۹ ردة العروض الى الابتدا
۱۰۹ ردة الصدرالى العروض
۱۰۹ ردة البتدا الى العجز
۱۱۰ تعطف
۱۱۰ معكوس مشوّش
۱۱۱ ملّمع

فصل چهارم : موسیقی کناری

۱۱۳ موسیقی کناری
۱۱۳ قافیه
۱۱۴ تاریخچه ی قافیه
۱۱۵ قافیه دراروپا

۱۱۶	اهمیت موسیقایی قافیه در غزلیات سنایی غزنوی
۱۱۹	جدول بسامد هجاهای قافیه
۱۲۰	قافیه ی بدیعی
۱۲۲	اعنات
۱۲۳	ردّ القافیه
۱۲۴	عیوب قافیه
۱۲۷	قافیه ی معموله
۱۲۷	تکرار قافیه
۱۲۸	ذوقافیتین
۱۲۹	عیوب غیرملقبه
۱۳۰	شعرمستجع
۱۳۲	ردیف
۱۳۲	سودهای ردیف
۱۳۲	ردیف در غزل های سنایی
۱۳۳	نقش دستوری ردیف در غزل های سنایی
۱۴۱	ردیف آغازین
۱۴۲	ردیف میانی
۱۴۳	حاجب

فصل پنجم : موسیقی معنوی

۱۴۵	موسیقی معنوی
۱۴۶	استخدام
۱۴۷	اعداد
۱۴۸	ایهام تبادر
۱۴۹	ایهام ترجمه
۱۴۹	ایهام تضاد
۱۵۰	ایهام تناسب

۱۵۱	ایهام گونه گون خوانی
۱۵۲	پارادوکس
۱۵۳	تجرید
۱۵۳	تسلیم
۱۵۴	تضاد
۱۵۵	تقسیم
۱۵۵	اسلوب معادله
۱۵۶	تنسيق الصفات
۱۵۷	تجاهل العارف
۱۵۸	استفهام
۱۵۹	حسن آمیزی
۱۵۹	حسن تعلیل
۱۵۹	حرف گزایی
۱۶۰	سیاقه اعداد
۱۶۱	رجوع
۱۶۱	لف و نشر
۱۶۳	مذهب کلامی
۱۶۴	مشاکله
۱۶۴	تلمیح
۱۷۰	نتیجه
۱۷۱	فهرست الفبایی
۱۷۶	فهرست منابع

فصل اول

کلیات

برای آگاهی از میزان تأثیریک شعرو اثربخشی آن بر احساسات و درک خواننده باید به یکی از مهمترین جنبه ها و ستون ها برای تولد یک شعر یعنی موسیقی آن توجه نمود. موسیقی در ایجاد یک شعر سهمی عظیم دارد و بر میزان اثربخشی شعر بر عاطفه فهم و درک عمیق مخاطب نقش اساسی دارد. شناخت عوامل ایجاد کننده ی موسیقی در شعر باعث می شود مخاطب با دقت بیشتر لذت و آفری از موسیقی ایجاد شده ببرد و به هنرمندی شاعر در زمینه ی به کارگیری موسیقی می توان پی برد می توان به این نکته رسید که شاعر تا چه اندازه در شناخت این ابزار دقیق بوده است و در مرحله ی بعد قدرت او را در به کارگیری به موقع و به جای این ابزار دید و به موقعیت و جایگاه شاعر در بین شاعران دیگر در سبک خاص زمان خود پی برد.

۱- اهداف تحقیق

جایگاه سنایی غزنوی در ادبیات فارسی ایران و جهان کاملاً روشن است و او از شاعران پایه اول شعر فارسی به شمار می آید. بی تردید این شاعر ارزشمند و توانا در زمینه ی موسیقی شعر خود نیز توانایی خود را نشان داده است و انجام پژوهشی در این زمینه کاملاً نیاز بود؛ بدین ترتیب در این تحقیق سعی بر این است عوامل گوناگون مؤثر در ایجاد موسیقی غزل های سنایی مورد بررسی قرار گیرد. عوامل مؤثر در ایجاد انواع موسیقی های بیرونی، درونی، کناری و معنوی که حکیم سنایی غزنوی به خوبی از عهده ی ایجاد هر چهار جنبه ی موسیقی برآمده است و غزل هایی ناب با موسیقی عالی سروده است. حاصل این پژوهش می تواند ابزاری باشد برای آن دسته از مشتاقانی که در زمینه ی موسیقی شعرو یا سنایی پژوهی تفتحص می کنند.

۲- پیشینه ی تحقیق

در زمینه ی شعر سنایی غزنوی کارهای فراوانی به انجام رسیده است، اما در زمینه ی موسیقی غزل سنایی تا کنون کاری انجام نگرفته است و جای پژوهشی در این زمینه خالی می نمود؛ با انجام این تحقیق به تعداد تلاش های انجام شده در زمینه ی شعر سنایی غزنوی یک مورد اضافه می گردد و بدین ترتیب بهتری می توان به قدرت شاعری سنایی پی برد.

۳- روش تحقیق

پس از جمع آوری منابع مورد نیاز و مطالعه ی آنها، فیش برداری از منابع شروع گردید و تمامی موارد مربوط به زمینه های گوناگون موسیقی غزل سنایی استخراج گردید و سپس بر اساس دیوان سنایی که منبع اصلی کار به شمار می رفت غزلیات آن مورد بررسی قرار گرفت و انواع موسیقی های چهارگانه ی موجود

درغزل های وی با دقت بیرون کشیده شد و براساس طبقه بندی خاص هر مورد همراه با نمودارها و جدول ها آورده شد تا موسیقی استخراج شده بهترنمایان گردد.

شعر

همچون بسیاری ازواژه هایی که سرمایه ی زبانهای گوناگون است و از آنها تعاریف مختلفی ارائه شده است ، واژه ی شعر نیز چنین وضعیتی را داراست و از آن را در چپه های گوناگون تعاریف متنوع و فراوانی شده است . این تعاریف های فراوان و متنوع از یک واژه می تواند نمایانگر وسیع بودن معنای آن واژه باشد و واژه ای با معنای مشخص معمولاً دارای چنین تعاریف گسترده ای نمی باشد ؛ در چنین شرایطی که یک واژه دارای دایره ی تعریف گسترده ای باشد باید جامع ترین تعریف را که دربرگیرنده ی بیشترین ویژگیهای موجود درواژه باشد را ترجیح داد.

دکتر خانلری در تعریف شعرا از زبان ابن سینا چنین می آورد : « شعرا سخن است خیال انگیز که از اقوالی موزون و متساوی ساخته شده باشد . »

(خانلری : ۱۳۷۳ ، ۱۳)

« در تعریف شعر گفته شده است عبارت است از کلام موزون و مقفی که دارای معنی باشد یا چیزهایی شبیه این تعریف با تفاوتهایی در بیان . »

(زرین کوب : ۲۵۳۶ ، ۲۴)

« شعر حادثه ای است که در زبان روی می دهد . »

(شفیع کدکنی : ۱۳۸۶ ، ۳)

« یکی از صورتگرایان روسی شعرا را « رستاخیز کلمه ها » خوانده است و درست به قلب حقیقت دست یافته است . »

(شفیع کدکنی : ۱۳۸۶ ، ۵)

با توجه به تعاریف متنوع و فراوانی که آورده شد ، می توان به این نتیجه دست یافت که گویا هنوز هم جایی برای تعریف شعر باقی مانده است و با وسعت معنایی واژه ی شعرا هنوز هم برای تعریف و یا تعریف های تازه وجود دارد .

موسیقی شعر

استاد مسلم درزمینه ی موسیقی شعر که به بیان کامل جنبه های گوناگون که در ایجاد موسیقی شعر مؤثراند پرداخته است ؛ دکتر شفیع کدکنی ؛ درزمینه ی موسیقی شعر چنین می آورد :

« مجموعه عواملی که زبان شعرا از زبان روزمره ، به اعتبار بخشیدن آهنگ و توازن امتیازی بخشند و در حقیقت از رهگذر نظام موسیقایی سبب رستاخیز کلمه ها و تشخّص واژه ها در زبان می شوند و می توان گروه موسیقایی نامید . »

(شفیع کدکنی : ۱۳۸۶ ، ۷)

دکتر شفیع کدکنی در باب وجوه اشتراک شعرو موسیقی چنین می آورد :

« شعرو موسیقی جهات اشتراکی نیز دارند زیرا هردو به منظور ایجاد حالتی به کار می روند نه به خاطر اثبات امری یا تصویر منطقی خارجی با قطع نظر از تأثیری که ممکن است وصف منظره در بیننده پدید آورد . مایه ی کار نیز در هر دو صوت است یکی صوتهای موسیقی که به حسب نسبت زیرو بمی نغمه را و به حسب وقوع در زمانهای متساوی ضرب وزن را ایجاد می کند جای دیگر صوت های ملفوظ که ترتیب آنها بحسب دلالت ، صوتهای گوناگون به ذهن القا می کند و تنظیم آن صوتهها به حسب آهنگ و وزن نشاط و شوقی در شنونده برمی انگیزد که صورتهای ذهنی را جان و جنبشی می بخشد و از آن حالتی در نفس پدید می آورد . »

(شفیع کدکنی : ۱۳۸۶ ، ۴۶)

« موسیقی شعر ، دامنه ی پهناوری دارد ، گویا نخستین عاملی که مایه ی رستاخیز کلمه ها در زبان شده و انسان ابتدایی را به شگفتی وا داشته است همین کاربرد موسیقی در نظام واژه ها بوده است . انسان ابتدایی رستاخیز واژه ها را نخستین بار در عرصه ی وزن یا همراهی زبان و موسیقی بهنگام کار احساس کرده است در سیر تاریخی این هماهنگی ، صورتهای مختلف موسیقی زبان یا زبان نظام یافته ، تغییرات و دگرگونیهای بسیار دیده و تکامل یافته است . »

(شفیع کدکنی : ۱۳۸۶ ، ۸)

دکتر لطفعلی صورگر در بیان نیروهای چهارگانه ی زبان دو نیرو را مربوط به معنی کلمات می دانند و دو نیرو را مخصوص صدای کلمات می دانند در بحث نیروهایی که به صدای کلمات مربوط می شوند چنین می آورد :

« در صدای کلمات نیز دو خاصیت است او خاصیت صوت هجائی مقاطع کلمات و طرز ترکیب حروف از نظر صوت و انس داشتن و جور بودن اصوات مختلف در یک کلمه یا جمله است . در این بخش همه لطف هنری که در انتخاب قافیه و ردیف و قراردادن اصوات مأنوس با یکدیگر بکار می رود گنجانیده می شود و خود این صفت گاهی بنفسه محرک ذوق بوده توانائی انتقال فکر را از ذهنی به ذهن دیگر دارد . دوم آهنگ جمله است بدین کیفیت که قطع نظراصوت الفاظ در مقاطع خواندن یک شعر کلمات طوری قرار گرفته اند که صدای خواننده بی اختیار آهنگی پیدا می کند و جنبشی دارد که در کلمه ای صدا بلند شده و در کلمه دیگر نرم و ملایم می شود . قسمت بزرگ وظیفه القاء و تلقین را آهنگ تعهد می کند زیرا آهنگ مظهر انقلابات و تأثرات و عواطف ماست و بدون آن هیچ آزمایش مجال نمایش و تجسم نخواهد داشت . »
(صورتگر: ۱۳۱۹، ۲۷)

« آهنگ به معنی وسیع تری مورد نظر است هرگونه تناسبی خواه صوری خواه معنوی می تواند در حوزه ی تعریفی آهنگ قرار گیرد ؛ بنابراین منظور فقط وزن شعر نیست مجموعه ی تناسب هایی که درک شعری تواند مورد بررسی قرار گیرد عبارت است از:

۱- موسیقی بیرونی شعر؛ یعنی همان چیزی که وزن عروضی خواننده می شود و لذت بردن از آن گویا امری غریزی است یا نزدیک به غریزی .

۲- موسیقی کناری ؛ منظور تناسبی است که از رهگذر هماهنگی دو کلمه یا دو حرف در آخر مصراع ها دیده می شود .

۳- موسیقی داخلی ؛ منظور مجموعه ی تناسب هایی است که میان صامت ها و مصوت های کلمات یک شعر ممکن است وجود داشته باشد .

۴- موسیقی معنوی ؛ هر نوع تناسبی را توسعاً می توانیم در قلمرو آهنگ قرار دهیم ، تناسب های معنوی در این حوزه قرار می گیرند . »

(شفیعی کدکنی: ۱۳۵۹، ۱۰۱)

غزل

معنی لغوی غزل بدین صورت تعریف شده است : « غزل در عربی مصدر ثلاثی مجرد است و به معانی مختلف اما متشابه سخن گفتن با زنان و عشق بازی و حکایت کردن از جوانی و محبت ورزیدن و وصف زنان وغیره به کاررفته است . »

(شمیسا: ۱۳۶۲، ۱)

« غزل در اصطلاح ادبی نام یکی از انواع مشخص شعراست و آن عبارت است از چند بیت متحد الوزن که جمیع مصاریع دوّم ابیات آن دارای قافیه هستند و البته حتماً دو مصراع بیت اول نیز قافیه دارند نمونه ی کامل این گونه اشعار، غزل های حافظ و سعدی است شاعر در بیت آخر غزل معمولاً اسم شعری خود را ذکر می کند یا به اصطلاح تخلّص می کند. مضمون غزل غالباً ذکر زیبایی معشوق و بی وفایی و سنگدلی او و قصّه ی فراق و محنت کشیدن عاشق است. غزل به معنی امروزی از قرن ششم به بعد دارای وضع مشخصی گردید و بعد از آن بر طبق قانون تکامل و تحول ادبی تغییراتی کرد. »

(شمیسا: ۱۳۶۲، ۱)

در جایی دیگر دکتر شمیسا سه معنی غزل را چنین ذکر می کند.

« ۱- غزل به معنی مقطعات چند بیتی فارسی که ملحون بوده است این نوع غزل ظاهراً در اوایل مقید به وزن رباعی بوده و سپس این قید حذف شده است. غزل ملحون تا اواخر قرن پنجم مرسوم بوده است. ۲- غزل به معنی تغزل قصیده؛ این معنی تا قرن نهم و دهم معمول بوده است. ۳- غزل به معنی مصطلح »

(شمیسا: ۱۳۶۲، ۱۴)

« باید دانست که اصطلاح غزل در قدیم مخصوص اشعار غنایی و سرودهای آهنگین عاشقانه بوده است که با الحان موسیقی تطبیق می شده و آنرا غالباً با ساز و آوازی خوانده اند؛ در عدد ابیات و سایر خصوصیات نیز شرط و قیدی نداشت.

بعد آنرا مرادف کلمه ی نسیب بکار بردند و تغزلات پیش آهنگ قصاید را به اسم غزل نامیدند. و تدریجاً همان غزلی که تشبیب قصاید بود به صورت غزل مفرد نظیر غزلیات عراقی و سعدی و حافظ درآمد و نوعی ممتاز و قسمی مخصوص از شعر گردید و از آن تاریخ قسمت نسیب و تشبیب قصاید را برای امتیاز به نام تغزل خوانده اند. »

(همایی: ۱۳۸۶، ۱۲۵)

غزل سنایی

حکیم سنایی غزنوی با شروع یک حرکت جدید و جدی در سیر تاریخی غزل نقش پررنگی را در تاریخ غزل فارسی ایفا کرده است و به غزل سنایی می توان به عنوان یک نقطه ی شروع در سیر غزل به سوی مسیر تحول آن نگاه کرد با توجه به این اهمیت باید بیشتر پیرامون غزل سنایی تحقیق صورت پذیرد.

« غزلیات او بطور کلی دو دسته است و دسته ی اوّل همان رنگ و بوی تغزلات قدیم را دارد و همان است که بعدها در سیر تکاملی خود از طریق اشعار او و انوری و ظهیر و جمال و کمال و سعدی و حافظ به اوج خود

می رسد و دسته ی دیگر اشعاری است عارفانه که بعدها در سیر تکاملی خود از طریق اشعار او و عطار و خاقانی و نظامی در مولوی و حافظ به اوج خود می رسد .

زندگی سنایی را در تاریخ ادبیات هم به دو دوره تقسیم کرده اند . دوره یی که در غفلت بود و به مداحی می گذراند و دوره ی دوم که دوره ی تنبّه او و توجه به عوالم عارفانه است . از این روی سنایی تغزل و مدح هم دارد که متعلق به دوره ی اول زندگی اوست ، اما در دوره ی دوم که با تصوّف آشنایی حاصل کرد تمام هم خود را مصروف به ورود آن معانی در شعر ساخت ، اما اینگونه مضامین در اشعار او هنوز تا حدودی خام است و گاه تصنّعی به نظر می رسد ؛ بدین معنی که هنوز کاملاً طبیعی و عادی نشده (خاصّه از نظریان) و در ذات شعر مستحیل نگشته است ، اما با این همه او اول کسی است که معانی صوفیانه را به طور وسیعی در شعر فارسی (اعم از مثنوی و قصیده و غزل) وارد کرده است . از این رو معانی اشعار او نسبت به قدما بسیار بلند و حتی معادل شعرای قرن هفتم است ، ولی لفظ او قدیمی و تقریباً همان لفظ زبان تغزل است . در اشعار او اندک اندک معشوق مقام والای خود را به دست می آورد و از آن خفت و ذلت معشوق تغزلات رهایی می یابد . به هر تقدیر شعر سنایی نوعی حد واسط است بین تغزل و غزل و البته کفه به طرز مشخصی به نفع غزل سنگین است . مهم این است که سبک غزل او بعدها هر چند فراوان مورد تقلید قرار می گیرد ، اما تا حدود زیادی منفرد باقی می ماند شاعران خود به توجه به دیوان او اعتراف کرده اند .

(شمیسا : ۱۳۶۲ ، ۶۲)

سنایی غزنوی

« ابوالمجد مجدود بن آدم سنایی غزنوی شاعر و حکیم و عارف بزرگ قرن پنجم و اوایل قرن ششم در سال ۴۶۷ در غزنه متولد شد و در همین شهر به سال ۵۲۹ درگذشت و به خاک سپرده شد . مزارش در این شهر که در شرق افغانستان کنونی قرار دارد زیارتگاه مردم است . »

(شفیع کدکنی : ۱۳۸۷ ، ۱۴)

در تاریخ ادبیات ادوارد براون تاریخ دیگری برای وفات سنایی ذکر شده است :
« معروفترین اثرش حدیقه را در سنین پیری سرود و تقریباً اندکی پس از اتمام آن در ۵۲۶ ق در گذشته است . »

(براون : ۲۵۳۷ ، ۲۱)

ذبیح ... صفا نیز تاریخی متفاوت با این دو تاریخ عنوان می کند :